

هر دم از روی تو نقشی زدم راه خیال  
تو چه دانی که در این پرده چه‌ها می‌بینم

هیچ تمدن و فرهنگسوی به دور از  
تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر دیگر فرهنگها  
نبوده و نخواهد بود، اما این تأثیرات تا چه  
حد و چگونه بوده یا باید باشد؟ لازم است  
دقیق‌تر به آن پرداخت.

«ایران شاعرانم بوده برای نهضت  
ملل و انتقال افکار از عهد ماقبل تاریخی  
به بعد و در مدتی بیش از هزار سال این  
وضع مهم را به منزله واسطه و میانجی میان  
شرق و غرب حفظ کرد، در عوض آنچه او  
در بافت می‌داشت هرگز از تألیف باز  
ناپستاد، این عمل عبارت بود از دریافت  
داشتن، توسعه بخشیدن و سپس انتقال  
دادن.»<sup>۱</sup>

نگارگری ایران در طول سده‌های  
متنوعی از دیگر فرهنگها و تمدنها متأثر  
شده و بر دیگر سرزمینها و فرهنگها تأثیر  
گذاشته است، اما هیچ‌گاه خصلتهای  
اصیل و مستهای پستیده خود را از دست  
نداده است و با وجود فراز و نشیبهای فراوان  
و حتی در زیر سلطه بودن، باز هم اصالت  
خویش را حفظ کرده است. آنچه را که از  
غیر گرفته در خود جذب و تبدیل کرده تا در  
انتها باز هم روح ایرانی را در آن تزئین  
کند، چون عسلی که زنبور پس از استفاده  
از شیر گل‌های متعدد تولید می‌کند.  
بحث و بررسی پیرامون تأثیرگذاری و  
تأثیرپذیری نگارگری ایران بسیار است.



سید عبدالمجید شریف زاده

# نقاشی غرب بر نگارگری ایران

اسلایدها: جواد نجف طبرانی

ایران بارها زیر سلطه بیگانگان قرار گرفته و فرهنگ‌های مختلف بر آن تأثیر گذاشته‌اند، اما هیچ‌گاه این تأثیرات فرهنگی و هنری، روح ایرانی را متزلزل نساخت و اصالتها و مستهای پسندیده را از بین نبرد، بلکه باعث رونق و شکوفایی آن گشت. عناصری که با این روحیات و مستها مطابقت داشت جذب و عناصر ناهمگون دفع می‌شد، ولی تأثیر فرهنگ و هنر غرب چنان بود که نه تنها بسیاری از مستها را متزلزل ساخت بلکه روح فرهنگ و هنر ایرانی را نیز دستخوش تغییر و تحول قرار داد به گونه‌ای که روز به روز بر شدت آن افزوده شد.

بررسی تفسیری تأثیر هنرها و فرهنگ‌های مختلف بر کشورمان در این مقال نمی‌گنجد، اما به اجمال اشاراتی خواهیم داشت.

هنگام بررسی نقاشی ایران و تاریخ نگارگری، مهم‌ترین سر فصل ظهور مانی است. کسی که ادعای پیامبری کرد و کتابش «ژئوژنگ» را به تصویر آراست. برخی مانی را متأثر از تصویرسازی و کتاب آریایی بابلی می‌دانند و گروهی نیز نگارگری ایران را زاده تصاویر چینی می‌نامند.

اما چنانچه تاریخ نگارگری در ایران را مطالعه و بررسی کنیم، مشخص می‌شود که نقاشی ایرانی تنها در برهه‌ای از زمان متأثر از هنر چین شده است و آن هنگامی است که مغولان بر ایران استیلا می‌یابند و به همراه خود فرهنگ و هنر چینی را می‌آورند. این تأثیرات چندین دوامی نمی‌آورد و به زودی هنرمندان ایرانی آنچه را که باید اخذ و آنچه را که با روحیات آنها سازگار نیست، حذف می‌کنند. مثلاً صورت ازدها در فرهنگ چینی وجود دارد و

در نگاره‌های ایرانی راه می‌یابد اما، ازدها در آنجا سمبل نیکی است ولی در ایران سمبل پلیدی. نقش ایرها و فرمهای تحت عنوان «تشی» از چین به نگاره‌های ایرانی راه می‌یابد و به ابر چینی مشهور می‌گردد اما دگرگون و متحول می‌شود.

تأثیر نقاشی غرب بر نگارگری ایران از دوره صفویه آغاز می‌شود این درحالی است که ارتباط میان ایران و غرب از مدتها پیش آغاز شده و پایه‌های آن گذاشته شده بود. در زمان تسلط مغولها بر ایران و پایه‌گذاری دولت ایلخانی توسط هلاکو، توجه به غرب به منظور اتحاد در مقابل مملوکان آغاز می‌شود. نبرد با مملوکان برای تسخیر سوریه در زمان هلاکو آغاز شده بود و آخرین نبرد را الجایتو برادر غازان در سال ۷۱۳ هجری قمری انجام داد.

«در سراسر این دوره فرمانروایان مغول بیهوده کوشیدند تا با شاهزادگان اروپایی بر ضد دشمن مشترک خود مملوکیها پیمان اتحاد ببندند. «آباقا» نیای غازان با پاپ و انوار اول پادشاه انگلستان مکاتبه داشت، ارضون پدر غازان نیز با «فلیپ» زیبا پادشاه فرانسه تماس برقرار کرده بود، خود غازان در نامه‌ای که به پاپ «ویونقیس» هشتم، می‌نویسد به‌طور آشکار به یک طرح مشترک برای حمله به سوریه اشاره می‌کرده، که قبلاً آن را به شاهان اروپا پیشنهاد کرده بود. اهمیت این مکاتبه تا آن زمان کاملاً ارزیابی نشده بود. این نخستین بار از روزگار باستان به بعد بود که یک دولت متعزز که تقریباً سرزمینی را به پهناوری شاهنشاهی ساسانی اشغالی کرده بود با باختر مسیحی ارتباط مستقیم برقرار کرد.»

ارتباط با دولت‌های غربی در زمان «اوزون حسن» قدرت بیشتری گرفت و این بار جهت مقابله با ترکان عثمانی بود. «اوزون حسن» فرمانروایی زورمند و سرسخت بود. او با «کاسلو جوانیس» امپراتور ماقبل آخر طرابوزان متحد شد، و دخترش «دسینا خاتون» را به زنی گرفت. بعدها «ماریا» دختر آنها با «شیخ حیلر اردبیلی» ازدواج کرد، یکی از سه پسر آنها «اسماعیل» بود که سرنوشت، او را بنیانگذار سلسله صفوی کرد.

اوزون حسن دشمن سرسخت ترکهای عثمانی بود. وزیرها در برابر ترکها چند بار از اوزون حسن باری گرفتند؛ معروفترین نمایندگان آنها که به دیار اوزون

نقاشی قاصد از سیرا



حسن رفتند، «کاترینوزنو Caterino zenox»، «ژوزافات باربارو Josafat Barbaro» و «امبرو جیو کونترانی Ambrogio Contarini» بودند. \*

پس از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل، ارتباط میان ایران و کشورهای غربی جهت برقراری اتحادی علیه ترکان عثمانی ادامه یافت و شاه اسماعیل با فرامتر وایان واقعی باختری به ویژه امپراتور «شارل پنجم» به منظور تشکیل یک جبهه واحد علیه ترکها مکاتبه کرد، ولی به علت بدی وسایل ارتباط میان ایران و باختر و بودن ترکیه دشمن در وسط، از این تلاش نتیجه ای به دست نیامد. . . در دوره پادشاهی طولانی شاه طهماسب بود که شرکت روسیه بر اثر کوششهای «آنتونی جنکینسون» Anthony Jenkinson و انگلیسی تلاش چشمگیری برای برقراری روابط بازرگانی بین ایران و انگلیس از



طریق روسیه کرد. \* بدین ترتیب ارتباط میان ایران و کشورهای غربی برقرار می شود. در محال برای بررسی چگونگی نفوذ

نقاشی غرب در ایران باید به چند عامل عمده توجه داشت.

- ۱- ارتباط ایران با غرب از طریق هیئتهای سیاسی، مذهبی و بازرگانی.
  - ۲- ارتباط ایران از طریق سیاحان و جهانگردان و هنرمندان اروپایی که به ایران آمدند.
  - ۳- انتقال ارمنیان ساکن جلفا به ایران در زمان شاه عباس.
  - ۴- اعزام نقاشان ایرانی به اروپا برای تحصیل سبک و روش نقاشی غربی.
- ۱- ارتباط ایران با غرب از طریق هیئتهای سیاسی، مذهبی و بازرگانی

همان گونه که اشاره شد روابط ایران با

غرب در وهله اول، جهت اتحاد در مقابل دشمنان مشترک، صورت گرفت و هیئت های خارجی هنگام حضور در دربار ایران و ملاقات با شاه، هدایایی را به رسم پیشکش تقدیم می داشتند که مسلماً در میان این هدایا آثار هنری و نقاشیهای به سبک اروپایی وجود داشته و در نتیجه باعث آشنایی درباریان و پادشاهان با این سبکها می شده است. این نفوذ هنری در زمان صفویه گسترش یافت. بنا به عقیده «بازیل گری»، «مولانا شیخ محمد سبزواری» اطمینان کنی بود که در سالهای ۹۰۸ تا ۹۱۸ هجری قمری، تحت حمایت شاه اسماعیل به فراگیری نقاشی به سبک اروپایی پرداخت. «اسکندر منشی» می گوید: «نخستین هنرمند ایرانی

که صورت فرنگی را در عجم تقلید کرد و شایع ساخت، مولانا شیخ محمد سبزواری، فرزند کمال «استاد قلم ثلث» نقاش معاصر شاه طهماسب و شاه

اسماعیل دوم بود که مردی بذله گو و شیرین سخن بوده، در فن تذهیب رنگ آمیزی و بکار صورت دم از پیکتایی می رز و نستعلیق را بسیار خوب می نوشت. \* و به گفته مؤلف فوق کسی بهتر از او چهره پردازی نمی کرد. است.

و این شیوه احتمالاً از نقاشیهای اروپایی که از جانب سفیران و میهمانان اروپایی به شاه هدیه شده بودند نیز تأثیر جسته است. \*

«مسافر اسپانیولی» گارسیا دوسیلوا فیگودراه در ضمن شرح مسافرت خود به ایران می نویسد که شاه اسماعیل در شهر شیراز کاخی برپا کرده بود که در آن تابلوهایی از هنرمندان ایتالیایی وجود داشت که احتمالاً به وسیله ویزیتها به ایران فرستاده شده که در این تابلوها نقش زتها نشان داده شده بود. معهذاً چون مسافر مزبور در تاریخ ۱۶۱۶ میلادی یعنی تقریباً یک قرن پس از مرگ شاه اسماعیل اول به ایران آمده ممکن است شاه اسماعیل دوم را به جای شاه اسماعیل اول گرفته باشد و بانی چنین کاخی شاه اسماعیل دوم بوده باشد. \*

این گونه ارتباطات، خصوصاً در زمان شاه عباس رونق و رواج بیشتری یافت. «دوره حکومت شاه عباس، شاهد گشوده شدن درهای ایران به روی غرب است. سفیران، بازرگانان، مسافران و متخصصان فنون اغلب کشورهای اروپایی به طور روزافزون از پایتخت ایران و شهرهای مهم آن دیدار کردند. \*»

در میان هدایایی که پادشاه اسپانیا - فیلیپ سوم - در سال ۱۰۲۷ هجری قمری توسط سفیر خود - دن گارسیا دوسیلوا فیگودرا - برای شاه عباس به قزوین فرستاده



عیسویان هیچ گونه خصومتی ندارد، برای اینکه در تبلیغ مذهب کاتولیک از موقع استفاده کند «زان ناده» از کشیشان کوملی برهنه پا را با چند کشیش دیگر، از راه آلمان و لهستان و روسیه و دریای خزر روانه ایران کرد و با ایشان نامه و هدایایی برای شاه عباس فرستاد.<sup>۱۱</sup>

۲- ارتباط ایران از طریق سیاحان و جهانگردان و هنرمندان اروپایی که به ایران آمدند

در دوره صفویه، خصوصاً در زمان سلطنت شاه عباس و پس از او، گروهی از سیاحان اروپایی به ایران مسافرت کردند، برخی تنها به بیان دیده‌ها و شرح مشاهدات خود پرداختند، اما گروهی ضمن توجه به این گزارشات به همراه خود، هنرمندان و نقاشانی را آورده بودند که این هنرمندان ضمن تصویرسازی از دیده‌ها، باعث ایجاد آشنایی بیشتر ایرانیان با سبک نقاشی اروپایی می‌شدند و برخی نیز،

مسیحی اروپا بر ضد دشمن دیرین خاندان صفوی، و رقیب بزرگ سیاسی ایران در آسیا، یعنی امپراتوری زورمند عثمانی استفاده کند و از طریق دوستی و مبادله سفیران و توسعه مبادلات تجاری و انعقاد معاهدات سیاسی، پادشاهان و دولت‌های متعصب اروپا مانند پادشاه اسپانی و امپراتوری آلمان و پاپ روم و جمهوری ونیز و نسا روسیه و پادشاهان لهستان و فرانسه را به دشمنی و جنگ با سلطان عثمانی برانگیزد.

از سال‌های اول سلطنت با ارامه و گرجیان و سایر رعایای عیسوی مذهب خوش لطف و مهربانی پیشه کرد، کشیشان و مبلغان دین عیسی را در کارهای مذهبی آزاد گذاشت، بازرگانان و عمال شرکت‌های تجاری پرتغالی و انگلیسی را که بیشتر در جزایر خلیج فارس و بندر و شهرهای جنوبی و مرکزی ایران مسکن و پا آمد و شد داشتند، هواداری و حمایت کرد و در اظهار عقاید و انجام دادن مراسم و آداب دینی خویش آزادی داد.

بدین ترتیب گروه‌های بسیاری از فرقه‌های مختلف مسیحی به ایران آمدند. آنتونیو دوگوه‌آ، کشیش مسیحی که در سال ۱۰۹۰ هجری قمری به ری فرستاد.

هیبتی از روحانیان مسیحی به فرعان فیلیپ سوم پادشاه اسپانی برای تبلیغ دین عیسی از هندوستان به ایران فرستاده شد، به همراه او هدایایی ارسال و از شاه خواهش کرد که اجازه دهد چند تن از کشیشان پرتغالی در شهر اصفهان صومعه و کلیسای کوچک بسازند و مخارج کاشیکاری و تزیینات صنعتی آن را نیز از خزانه خود پرداخت. و با «کلمنت هشتم» پاپ روم هم که شنیده بود پادشاه ایران با آنکه «کافر» است با

بود، تعدادی نابلو نقاشی نیز وجود داشت.

... سایر هدایا مرکب بود از انواع جوشنهای فرنگی و نیزه‌های هلندی و لباسهای گوناگون و تصاویری چند، و از آن میان تصویری از «آن اطریش Anned Autriche» ملکه تازه فرانسه و تصویر دیگر از دختر بزرگ پادشاه اسپانی، که سفیر از جانب خود تقدیم شاه می‌کرد...<sup>۱۲</sup>

در سفرنامه آنتونیو دوگوه‌آ نیز اشاره شده که «در میان هدایا آثاری از نقاشی‌های مختلف نیز به شاه اهدا شده است. حتی نقاشیهایی از چین و ژاپن نیز در میان هدایا بوده است.»<sup>۱۳</sup>

در این زمان توجه کشیشان و فرقه‌های مختلف مسیحیان اروپایی نیز به سوی ایران جلب شد و بسیاری از آنان جهت تبلیغ دین خود به ایران آمدند و با توجه به سیاست شاه عباس، اجازه تبلیغ یافتند، حتی کلیساهایی را ساخته و به تزیین آن پرداختند.

«کاز مهربانی شاه عباس با کشیشان عیسوی و نقاهرات و عیسویان» او بدانجا رسید که پیشوایان کلیسای کاتولیک از اروپا برایش تصاویر عیسی و مریم فرستادند.<sup>۱۴</sup>

نقل است که شاه عباس هنگامی که آنتونیو دوگوه‌آ را به حضور پذیرفت، پس از مجلسی که برپا شد او را به همراه خود به اتاقی دیگر برد تا تصویری از حضرت عیسی را که یکی از نقاشان نامی ایران از روی تابلویی که از ونیز آورده بودند و کشیده بود به او نشان دهد. مهربانی شاه عباس با عیسویان، گذشته از روشنگری و آزاد فکری وی، علنی سیاسی داشت. می‌خواست از قدرت دولت‌های بزرگ



نمونه یک پادشاه ساسانی  
ایشان در کتب تاریخ ایران

خود، نقاشی چیره دست بودند.

یکی از کشورهای که روابط نزدیکی با ایران برقرار ساخت فرانسه بود. مهمان نوازی شاه عباس باعث گردید که جهانگردان و روحانیون فرانسوی - در قرن هفدهم - به ایران آمده، روزگاری در آنجا صرف کرده و گزارشهای دقیقی در توصیف کشور دوردستی که گرنفون، آترا کشور دانشمندان نامیده است، بنویسند. در پاریس یک کرسی فارسی در سال ۱۶۷۹ میلادی در مدرسه "وطلاب زبان" توسط دکلبیر Colbert و اختصاص داده شد. نخستین جهانگردان اندک اندک تمدنی ناشناخته را کشف کردند. کسانی مانند Bernier و فارغ التحصیل از دانشکده پزشکی مونپلیه، «ژان بابتیست تاورنیه Jean Baptiste Tavernier» که سفرنامه اش در ۱۶۷۹ منتشر شد و علاقه بسیاری از مردم را به رسم و رسوم جالب توجه ایرانیان جلب کرد و مخصوصاً دوشوالیه ژان شاردن Chevalier Jean Cher- و din که که تالیفات او متضمن معلومات

وسیع و شگفت انگیز او در تاریخ و ادبیات و رسم این کشور است، را می توان نام برد.

در میان سیاحتی که از ایران بازدید کرده اند، گروهی، یا خود از هنرمندان بوده و یا اینکه هنرمندان نقاشی را با خود به همراه داشته اند. آثار به جا مانده از آنها نشان دهنده چگونگی آشنایی ایرانیان با نقاشی اروپایی است. مسلماً پادشاهان و گردانندگان دستگاه دولتی ایران با مشاهده این طبیعت پردازیهها و ثبت وقایع تاریخی و چهره پردازیهها علاقه مند به اینگونه نقاشی شده و هنرمندان و نگارگران ایرانی را تشویق به کار و نگارگری به این شیوه کرده اند. از جمله افرادی که در زمان صفویه به ایران آمد و به همراه خود نقاشی آورده بود، شاردن است. او در کتاب خود آثار بسیاری را ارائه نموده که وضعیت اجتماعی و بناها را به تصویر کشیده است. از جمله، مراسم تاجگذاری شاه سلیمان.

شاردن در کتاب «Le Couronnement de sefeiman Troisième Roy de Perse et ce qui s'est passé de plus memorable dans les deux premières années de son regne» که در سال ۱۶۷۱ میلادی در پاریس منتشر کرد شرح تاجگذاری شاه سلیمان را مفصلاً نوشته و تصویری نیز از آن به چاپ رسانید. این تصویر به وسیله معروفترین هنرمند فرانسوی آن دوره «Joseph Grelot» که خود همراه با شاردن، شاهد تاجگذاری شاه سلیمان در اصفهان بوده، طراحی شده است. «این کتاب به قطع بزرگ به عنوان ضمیمه سفرنامه تاورنیه در سال ۱۶۸۱ در ژنو به زبان آلمانی ترجمه و منتشر شد. در این

نسخه آلمانی نیز تصویر مراسم تاجگذاری شاه سلیمان البته با تغییراتی که حکاک وی. ال. دوران I. L. Durant « به آن داده، آورده شده است.

«انگلیت کمپفر Engelbert Kamp» و دانشمند و پزشک بنام آلمانی که در سالهای ۱۶۸۴ و ۱۶۸۵ میلادی مهمان دربار ایران در اصفهان بوده، در قسمت اول کتاب خود به نام «Amoenitatum Exoticarum» و «تفاسس خارجی» که در سال ۱۷۱۲ در شهر «لمگو Lemgo» به زبان لاتین منتشر شد، شرح مفصلی از تاجگذاری شاه سلیمان سوم آورده است. در این کتاب، تصویری از یک حکاک روی مس از مراسم تاجگذاری نشان داده شده که آن را خود انگلیت کمپفر طرح کرده است. «۱۱»

در زمان شاه عباس به معماری و همچنین نقاشی برای ترین بناها، که نمونه های آن را در دو کاخ عالی قاپو و چهلستون می توان دید، توجه زیادی می شود.

«نمونه هایی از نقاشی دیواری قرن هفدهم، بخصوص در دو عمارت مجلی اصفهان، همچنان موجود است. ترین آنها که سخت آسیب دیده اساساً خصوصیتی ایرانی دارد، برخی از طرح پیکرهها بسیار شیبه نقاشیهای منسوب به رضا عباسی است. چند نقاشی اروپایی نیز وجود دارد که احتمالاً کار «جان هلندی» است. این نقاشی سالهای سال در خدمت شاه عباس بود. بخشی از نقاشی چهل ستون به طور آشکاری به سبک هلندی کشیده شده است و مسلماً برخی از نقاشان جوان ایرانی نیز تحت تعلیم این نقاشان قرار می گرفته اند.

«اولساریوس» Olesarius به سال ۱۶۳۷ میلادی در تالار بار عام اصفهان قطعه نقاشیهای را دیده که در اروپا کشیده شده و نشانگر تاریخهای خاصی است. احتمالاً برخی از این دیوار نگاره‌ها کار و اثر نقاشان اروپایی است که در این زمان به ایران راه یافتند و سبب نفوذ خصوصیات نقاشی اروپایی در نگارگری ایران گردیدند. نقاشان اروپایی که در دوران شاه عباس و جانشینان او در اصفهان به کار پرداختند اکثراً هلندی بودند. عیسی بهنام در مقاله خود به تعدادی از آنها اشاره می‌نماید: از جمله: ژول، نقاش یونانی - و نیز نقاشان هلندی مانند فیلیپ آنژل، لوپرون و لوکار.<sup>۱۳</sup>

در کاخ چهلستون اصفهان چند تابلو به‌شبهه اروپایی وجود دارد که منسوب به نقاشان هلندی است. «موضوع مجالس نقاشی سالن پادشاهی که در ضلع غربی تالار واقع شده، از مقابل در ورودی به ترتیب از راست به چپ عبارتست از: مجلس بزم شاه عباس کبیر و پذیرایی او از ولی محمدخان پادشاه ترکستان - جنگ شاه اسماعیل اول با قشون عثمانی در چالدران (از الحاقات بعد از دوره صفویه) - مجلس پذیرایی شاه طهماسب اول از همایون پادشاه هندوستان، و در جهت مقابل این نقاشیها در ضلع شرقی سالن، از راست به چپ: منظره جنگ شاه اسماعیل اول با شییک خان ازبک (موضوع نقاشی این تابلو جنگ شاه عباس اول با ازبکان نیز معرفی شده است). جنگ نادرشاه افشار با قزاقی هند در کرنال (از الحاقات بعد از دوره صفویه) و مجلس پذیرایی شاه عباس دوم از نور محمد خان پادشاه ترکستان ( این تابلو

روبروی تابلوی بزم شاه عباس کبیر قرار دارد).

در اطراف سالن و همچنین اتاقهای اطراف ایوان آینه، تعداد زیادی تابلوهایی کوچک میناتور وجود دارد که در حالات مختلف، مجالس بزم و شکار و همچنین صورتهای فردی یا زوجی مرد و زن در حالات مختلف جلوس در مجلس بزم و یا در حال شکار و آرایش نمایش داده شده و در دو ایوان طرفین تالار مزبور که مشرف به باغ چهلستون است تصویرهایی از سفرا و اروپاییان مشهوری که در آن عهد در پایتخت ایران بسر می‌برده‌اند و فعلاً شناخته نمی‌شود جلب توجه می‌نماید. تصویر اروپاییانی که در کاخ چهلستون نقاشی شده و معدودی از آنها موجود است، به احتمال زیاد کار دو نفر نقاش هلندی به نام «آنژل» Angel و «لوکار» Loock است که در دیوار شاه عباس دوم بسر می‌برده‌اند و چون پادشاه به نقاشی اشتیاق فراوان داشته است از طرف نماینده شرکت هلندی در اصفهان به خدمت وی گماشته شده بودند.

«دیولاقی» که از سال ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۹۸ هجری قمری) و مقارن سلطنت نادرالدین شاه قاجار، ایران را سیاحت کرده و مدتی در اصفهان بوده، ضمن شرح عمارت چهلستون به نقاشیهای اشاره می‌نماید که به نظر او به‌شبهه ایتالیایی صورت گرفته و در عین حال هماهنگ با دیگر تزئینات کاخ می‌باشد.

«نقاشیها و تزئینات کوچک ایتالیایی هم در مجاورت این طلاکارهای قدیمی که به واسطه دیدن هوای زیاد، قرمز رنگ شده‌اند عدم تناسی نشان نمی‌دهند و خلاصه آنکه از اختلاط و ترکیب این

نویسندگان کتاب «سیر تاریخ نقاشی ایرانی» نیز «جسان هلندی» را نخستین اسلوبهای مختلف مجموعه‌ای تشکیل یافته که اجزاء آن کاملاً هماهنگ است.<sup>۱۴</sup>

هنرمند و نقاش اروپایی می‌دانند که در دیوار شاه عباس به کار گمارده شد. شاه عباس حتی با نقاشان بیگانه‌ای هم که همراه سفیران یا تنها به ایران می‌آمدند، مهربانی بسیار می‌کرد و به ایشان اجازه می‌داد که از صورتش نقاشی بکشند و تصویر را با خود ببرند. به همین سبب، اکنون از این پادشاه تصاویر مختلفی که نقاشان هندی یا اروپایی کشیده‌اند، در دست است.

### ۳- انتقال ارمنیان ساکن جلفا به ایران

شاه عباس در سال ۱۰۱۳ هجری قمری هنگامی که در آذربایجان و ارمنستان با «ستان پاشاه وزیر اعظم و سردار عثمانی معروف به «جغالی اغلی»



سرگرم جنگ بود، برای اینکه لشکر دشمن را از آذوقه و آب و علف محروم سازد، فرمان داد که تمام شهرها و دهکده‌هایی را که در ارمنستان بر سر راه سپاهیان عثمانی بود، ویران کنند و بسوزانند و مردم آنجا مخصوصاً ارامنه شهرهای جلقا و ایروان و اطراف آن را، که به یک روایت بیش از شصت هزار خانوار بودند، به نواحی مختلف ایران، خاصه اصفهان و گیلان و مازندران فرستاد و حدود سه هزار خانوار را در کنار زاینده رود اصفهان جای داد. این دسته با اجازه و فرمان او در ساحل زاینده رود به پادگزار زادگاه خویش شهری به نام جلقای نو ساختند که بعد از آن به جلقای اصفهان معروف شد.<sup>۱۴</sup>

بدین ترتیب گروهی از ارامنه که با هنر و نقاشی غربی آشنایی داشتند، وارد ایران شده، به همراه خود شیوه جدیدی را آوردند که یکی دیگر از راههای ورود نقاشی غربی به ایران بوده است. و ارامنه جهت ترین کلیساهای خود از نقاشی استفاده



کرده‌اند که دقیقاً متأثر از نقاشی اروپایی است و هم اکنون نیز این کلیساهای خصوصاً در اصفهان وجود دارد که به عنوان نمونه می‌توان به کلیسای «گیورگ» اشاره کرد. سر در این کلیسا که در دوره سلطنت شاه سلطان حسین نصب شده، تصویر حضرت مریم و مسیح و چند نفر دیگر را همراه با هدایایی که آورده‌اند با کاشیهای هفت رنگ نمایش داده شده است.

مهمترین کلیسای تاریخی جلقا از دوره شاه عباس اول کلیسای مشهور «پدجیم» یا بیت اللحم است که در میدان جلقا و در مجاورت کلیسای مریم واقع شده است. این کلیسا به وسیله یکی از تجار ارمنی به نام خواجه پطرس ساخته شده و در داخل آن تزیینات نقاشی و تابلوهایی از زندگی مسیح وجود دارد.

مهمترین کلیسای مشهور تاریخی جلقا از نظر معماری و نقاشی تزیینات نقاشی، کلیسای «سن سوره» است که مشهور به کلیسای «وانک» است و در محل کلیسای ساده قدیمی تری که در سال ۱۶۰۵ میلادی بنا شده بود و رو به ویرانی نهاده بود، بنیاد آن گذاشته شده است. این کلیسا از محل اعانت ارامنه جلقای اصفهان در سال ۱۶۵۵ میلادی برابر با ۱۰۶۵ (هجری قمری آغاز شده و در سال ۱۶۶۴ میلادی برابر با ۱۰۷۴ هجری قمری مقارن بیست و دومین سال سلطنت شاه عباس دوم به پایان رسید. داخل این کلیسا و تمام دیوارها و اطراف و جوانب آن با تزیینات نقاشی به سبک ایرانی و تابلوهایی که نقیض نقاشی ایتالیایی در آنها محسوس است، زندگی مسیح را معرفی می‌کند، همراه با ازاره‌های کلیسا که با

کاشیهای خشت هفت رنگ آراسته شده است. در این کلیسا پیش از سایر کلیساهای جلقا نقاشی وجود دارد.<sup>۱۴</sup>

در میان هنرمندان و نقاشانی که به شیوه اروپایی در ایران آثاری را از خود به یادگار گذاشته و تأثیر زیادی در رواج نقاشی غرب در ایران داشته‌اند، «میناس» نقاش ارمنی است. وی از هنرمندانی است که شهرت بسزایی داشته، در کاخهای صفویه هنر نمایی می‌کرده و در اوایل قرن هفدهم در جلقای اصفهان متولد شده است.

«میناس» در سن کودکی به شهر حلب سوریه می‌رود و در آنجا در محضر یک هنرمند فرنگی (اروپایی) هنر و فن نقاشی می‌آموزد. سپس به جلقا مراجعت کرده و در خانه خود مشغول نقاشی می‌شود و در کمترین مدت نام او سر زبانها می‌افتد. بدین جهت تجار و بزرگان ارمنی او را برای نقاشی کردن و زینت بخشیدن به خانه‌های خود می‌برند. همچنین خواجه سرافراز، فرزند خواجه نظر او را به خانه خود می‌برد تا آن را با نقاشی عکس و گل و بوته زینت بدهد.

در آن موقع که هنوز نقاشی خانه به اتمام نرسیده بود شاه صفی، پادشاه ایران به منزل خواجه سرافراز می‌رود و نقاشیهای گوناگون در و دیوار را مشاهده کرده از نقاشیها که با مهارت تمام کشیده شده بودند لذت می‌برد و از خواجه سرافراز می‌پرسد که این نقاش از کجاست، او پاسخ می‌دهد که او از ارامنه جلقا و اکنون هم در یکی از اتاقهای خانه مشغول کار است. شاه صفی، میناس را به حضور می‌خواند و از او پرسشها کرده، آگاهیهای



چهارم، ناصر مکتب سلطنت، اثر سلطنتی عهد قاجاریه

پوشانند و همچنین نام او را در ردیف سربازان بنویسند تا هر ساله چون سربازان دیگر مقرری دریافت نمایند. از آثار او در کلیسای بتلهم براساس کتیبه موجود در آن دیده می شود.<sup>۱۷</sup>

این داستانتها نشان می دهد که چگونه علاقه به طبیعت پردازی و چهره پردازی در دربار و شاه نفوذ پیدا کرد و در نتیجه نگارگران ایرانی را تشویق به آمیختن شیوه نقاشی اروپایی کرده اند.

#### ۴- اعزام نقاشان ایرانی به اروپا برای تحصیل سبک و روش نقاشی غربی

شاید معروفترین نگارگری که به اروپا فرستاده شد، «محمد زمان» باشد. وی در زمان شاه عباس دوم، در سال ۱۰۵۰ هجری قمری به ایتالیا رفت. با نفوذ هنر غرب خصوصاً دربار، شاه و اطرافیان با نوعی نقاشی آشنا شدند که در نگاره های ایرانی وجود نداشت و آنها براساس غریبه حب ذات، علاقه مند بودند که تصاویر طبیعی و حقیقی شان ترسیم شده، به یادگار بماند و این شیوه نقاشی را که تازه با آن، روسه رو شده بودند، تشویق می کردند. چنانکه شاه اسماعیل صفوی و شاه طهماسب، در همان سالهای اولیه سلطنت خود، اجازه دادند که نقاشان اروپایی تابلوهایی از چهره و قیافه شان تهیه کنند، این تابلوها هم اینک در موزه «رئال گالری دزوفیسی» در شهر فلورانس نگهداری می شود.

محمد زمان فرزند جوان و کم سال حاجی یوسف که در امضایش خود را پسر حاجی محمد یوسف معرفی می کند، طی

یافتی پیدا می کند. آنگاه شاه به یکی از وزرای حاضر سر خود به اسم چراغ خان که سوزنی زشت داشته است اشاره کرده، فرمان می دهد تصویر او را برای شوخی و توشمزدگی حاضران بکشد. چراغ خان تنی می بیند هدف جز شوخی نیست سر و سوزنش را به چپ و راست حرکت می دهد دهانش را به حرکت درمی آورد تا شاید تصویر نظیر خودش نباشد ولی نقاش بناس به فرمان شاه در حسان اثنا بین بوخهای حاضر تصویر او را بی نهایت تند او نقاشی می کند به طوری که همه حاضران انگشت حیرت به دهان می مانند. از آن روز به بعد شاه و وزرای او ای ترین قصرهای خود نقاش میناس را دست ندادند.

در آن روزگار پادشاه روسیه نماینده ای بهت دوستی و همسایگی به دربار شاه صفی پادشاه ایران فرستاد. در میان نمایای زیاد يك پرسنده نیز بود که به آن وقتسار می گفتند. مردی نیز وظیفه نگهداری از پرنده را به عهده داشت. مرد روس و پرنده جلب نظر شاه را کرده بود طوری که شاه به نقاش محمدبک ریسی نقاشان و هنرمندان دربار فرمان داد که تصویر آن دو را آن طور که هستند، کشند. این نقاش با همه شهرتی که داشت پس از چند روز نتوانست تصویر آنها را آن طور که شایسته بود، بکشد. شاه به نقاش میناس فرمان داد باز و تبارش را نقاشی کند. او در مدتی کوتاه سویری نقاشی، چون اصل موضوع سویل داد که شاه و اطرافیان را در جلب فرو برد. به همین جهت شاه دستور داد تا استاد میناس را انعام دهند و خلعت

سالهای ۱۰۵۰ تا ۱۰۵۳ هجری قمری به فرمان شاه عباس دوم همراه يك گروه از جوانان ایرانی بهرم که مرکز هنری غرب بود رفت و حدود دوسه سال در آن شهر به سر برد. وی در رم بر اثر تبلیغ مبلغان مسیحی، از مذهب پدران خود دست شست و به مذهب مسیح گروید و نام مسیحی «پائولو» را برای خود انتخاب کرد. در سال ۱۰۵۶ هجری قمری و پس از پایان تحصیل، از آنجا که مسیحی شده بود، از ترس شاه به هند رفت و شاه جهان او را نیز چون بسیاری از هنرمندان ایرانی که به هند رفته بودند، در کشمیر مستقر و مقرری برای وی تعیین کرد. وی پس از مدتی به دهلی مراجعت کرد و در آنجا با مسیحیان یسوعی (ژزویست) به ویژه با پدر «بوسو Busi» که مردی دانشمند بوده، رفت و آمد پیدا می کند. محمد زمان در کتابخانه این کشیش یسوعی نسخه ای از کتاب «ماتئورچی Matteorici» را تحت عنوان «هیئت اعزازی مسیحیان به چین»،





دیده و فصل های دوم تا دهم آن را به نام «تاریخ چین» از لائین به فارسی ترجمه کرده است که اینک نسخه خطی آن در کتابخانه انجمن آسیایی بنگال موجود است. این نگارگر تا زمانی که شاه عباس دوم زنده بود به ایران نیامد و ظاهراً پس از فوت شاه به ایران بازگشت و بار دیگر به دین اسلام گروید و با اثبات لیاقت، خود در کتابخانه شاه سلیمان به کار مشغول شد و در سال ۱۰۸۶ هجری قمری سه صفحه سفید و خالی از خمسه نظامی را که حدود صد و چهل سال پیش از آن به دستور شاه طهماسب به خط محمود نیشابوری نوشته شده بود و نقاشان مشهوری چون میرک، میر سید علی، میرزا علی و سلطان محمد در سالهای ۹۲۶ و ۹۵۰ هجری قمری مصور کرده بودند، نقاشی و تکمیل می کند.

نصاویر لباس اشخاصی که محمد زمان در خمسه نظامی نقاشی کرده است در چند مورد به سبک اروپایی است و

مناظر و دورنماهای آنها نیز از نقاشیهای ایتالیایی آن زمان اقتباس شده است. پس از آن خمسه نظامی دیگری را به مدت ۱۴ سال به تصویر درآورد و در همان زمان نیز شاهنامه ای را که در کتابخانه «جستریتی» در دوبلین محفوظ است مصور ساخت که از پانزده نگاره آن دو نگاره به رقم اوست. شیوه کار او پس از آن توسط نقاشان دیگر ادامه یافت و تا روی کار آمدن شیوه «محمد خان ملک الشعراء» و «ابوالحسن غفزاری» ملقب به «صنیع الملک» مورد پیروی نقاشان درباری قرار گرفت.<sup>۱۰</sup>

البته لازم به ذکر است که، برخی با این نظر که محمد زمان به اروپا سفر کرده و مسیحی شده است، مخالفتند. از جمله این افسراد آقای محمد علی کریم زاده تبریزی است و در کتاب خود «احوال و آثار نقاشان قدیم ایران» دلایلی ذکر می نماید که البته چندان مستند نیست.<sup>۱۱</sup>

یکی دیگر از افرادی که در دوره قاجار به اروپا فرستاده شد تا با فنون غرب و از جمله نقاشی غربی آشنا شود «محمد کاظم» است، که البته این جوان در دیار غربت بر اثر بیماری درگذشت. وی به همراه میرزا حاجی بابا افشار و برابناس موافقنامه دو جانبه عباس میرزا را سر هارلد فورده جونز جهت اعزام محصلین به انگلستان، به لندن رفت. «محمد کاظم» پسر نقاشباشی عباس میرزا بود، و پس از ۱۸ ماه در اثر بیماری سل، در لندن درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد.

از نگارگران دوره قاجار که به شیوه غربی آثاری از خود به جای گذاشته اند باید به «محمدخان شریف، ملک الشعراء» اشاره کرد. با اینکه وی هرگز به اروپا سفر

نکرد ولی آثاری از خود به یادگار گذاشت که دقیقاً به اجرای قوانین پر سبکتیو و عملی مناظر و مریایه در آثار خود پرداخته و دورنما سازی، استاد و از پایه گذاران هنر نقاشی به شیوه غرب در ایران بود و شیوه نقاشی آبرنگ او «رنالیشی» آمیخته ریزه کاری و پردازش خاص ایرانی بود. وی سال ۱۲۲۸ هجری قمری در تهران متولد و در سال ۱۳۱۱ هجری قمری درگذشت.<sup>۱۲</sup>

از هنرمندان مشهور قاجار که به اروپا سفر کرده «مسیززا ابوالحسن» صنیع الملک است. وی در سال ۱۲۲۹ هجری قمری متولد شد و نزد استاد محمد علی اصفهانی از نقاشان دربار قنصلر شاه نقاشی را آموخت و در سال ۱۲۵۸ هجری قمری با نقاشی از چهره محمد شاه جزو نقاشان دیوار قرار گرفت. در اوایل سلطنت محمد شاه یعنی در حدود سالهای ۱۲۶۱-۱۲۶۲ هجری قمری درصدد سفر به ایتالیا برآمد و به همت و سرمایه خود و با غیر به ایتالیا سفر کرد و مدتی در موزه‌ها و هنرستانهای رم، فلورانس و ونیکان به تحصیل پرداخت و حدود ۲ تا ۳ سال در اروپا مشغول به کار بود و از روی کارهای هنرمندانی چون رافائل و نابلوی به نام «مادینای فولین» بوه کپی برداری کرد هنگام بازگشت از اروپا مقداری وسایل نقاشی و باسمه های رنگی و گراورهای فلزانی از کارهای استادان اروپایی با خود به ایران آورد که بعدها در تکمیل هنرستان نقاشی که خود مؤسس آن بود مورد استفاده قرار گرفت. آثار متعددی از این هنرمند برجای مانده که معروفترین آن کتاب هنر و یک شب است که با ۱۱۳۲ نگاره و

سال ۱۲۶۹ م تصور شده است. آثار دیگری نیز از او در روزنامه وقایع اتفاقیه به چاپ رسید. نگاره‌ها و نقاشیهای او با اینکه به شیوه کلاسیک بسیار نزدیک بود ولی روح و اصالت ایرانی هنوز در آثارش دیده می‌شود. وی در سال ۱۲۸۳ هجری قمری در ۵۴ سالگی درگذشت.

اما کمال‌الملک «محمد غفاری» برجسته‌ترین نقاشی است که به اروپا سفر می‌نماید و سبک و شیوه نقاشی غربی را در ایران متداول و شاگردان بسیاری پرورش و مکتبی را بر پایه و اصول نقاشی غرب در ایران رواج می‌دهد که پس از مراجعت از اروپا و مطالعه بر روی آثار هنرمندان کلاسیک غرب و نسخه برداری از آن در موزه‌ها و مدارس هنری به مدت ۵ سال، مدرسه صنایع مستظرفه را تأسیس کرد. در زمان کمال‌الملک نفوذ هنر اروپایی به آخرین مرحله و حذف تقریبی نگارگری ایرانی انجامید و اکثریت هنرمندان این دوره تحت نفوذ او و سبک کارش که ملهم از نقاشان قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی در اروپا بود، قرار گرفتند. درحالی‌که نقاشان ایرانی مدتها بود که از سبک رنسانس دوری گزیده و سبک و شیوه‌ای نو را آغاز کرده بودند.

در هر حال مکتب قاجار با ظهور کمال‌الملک جا خالی می‌کند و با بازگشت او از اروپا تمام ذوق‌ها مصروف به گرایش به طبیعت سازی و تقلید شیوه‌های مکتب رنسانس ختم می‌شود. اما دامنه تقلیدها آنچنان گسترده بود که هیچ امیدی به بازگشت و پا نماند در کار نبود، در این زمان نقاشان ایران، اقیانوس اندیشه‌های هنری جاودان سرآمدان هنر رنسانس اروپا هستند، این تقلیدها تا بدان

جا پیورده و بی‌مصرف خود می‌نمایاند که در مقایسه با مکتب قاجار حتی راه پیورده‌تری می‌پیماید، چرا که لااقل هنرمند قاجار سهمی در نشان دادن رگه‌هایی از زیباییهای ویژه و بومی اش دارد. اما شاگردان مکتب کمال‌الملک آنچنان مجذوب هستند که قدرت نشان دادن همین رگه‌ها را نیز در خود نمی‌بینند و در چنین شرایطی موضوع تابلوها بیشتر بر محسوس کپی برداری خالص و یا گرفتن الگوها و نشانه‌ها و پیاده کردن آنها در فضای آشنای چهره‌ها و مکانهای ایرانی دور میزند.<sup>۱</sup>

#### پادروی و مانده

۱. گورشن، توان ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه دکتر محمد معین. تهران. سگانه نوحه و نشر کتاب. ۱۳۳۶. ص ۳۱
- ۲-۴. لاکه‌نوت، لاریس / جیل، کار ترویج و موانع ایران / ترجمه امیر اسلام ناصحیان / ترجمه دکتر پادرو / تهران. جلد دوم. ۱۳۴۴. ص ۲۷



۵. پینون، لونس / ویلکینسون، ج. و، س / گری، بازیل. سیر تاریخ نقاشی ایران. ترجمه محمد ایرانشهر. تهران. امیرکبیر. ۱۳. ص ۲۷۷.
- ۶-۷. بهنام، حبیبی. مکتب نیم هنر نقاشی ایران در تبریز. تهران. هنر و مردم. دوره ۸. شماره ۸۸. بهمن ۱۳۴۹. ص ۱۰.
- ۸-۱۰. فلسفی، نصرالله. زندگی شاه عباس اول. تهران. دانشگاه تهران. دوره ۱۳۴۴. جلد دوم. ص ۲۸۱-۲۸۵.
۱۰. همان کتاب. ص ۸۱.
۱۱. همان کتاب. ص ۶۷.
۱۲. همان، غلامعلی. مراسم تاجگذاری در زمان شاهنشاهان صفویه و انعکاس آن در تصاویری هنری هنرمندان اروپایی. تهران. هنر و مردم. دوره ۹. ش ۹۳. دی ۱۳۴۳. ص / ۲۲-۲۱.
۱۳. بهنام، حبیبی. هنر نقاشی در دوران پادشاهی شاه عباس بزرگ، تهران. هنر و مردم. دوره ۶. ش ۶۷-۶۸. تابستان و خرداد ۱۳۴۷. ص ۱۲-۷.
۱۴. هنر فر، لطف‌الله. کاتالوگ چهلستون. تهران. هنر و مردم. دوره ۱۱. شماره ۱۲۱. آبان ۱۳۵۱. ص ۳-۲.
۱۵. فلسفی، نصرالله. زندگی شاه عباس اول. تهران. دانشگاه تهران. ۱۳۴۲. جلد سیم. ص ۱۹۲.
۱۶. هنر فر، لطف‌الله. آثار تاریخی چشما. تهران. هنر و مردم. دوره ۶. شماره ۶۵. اسفند ۱۳۴۶. ص ۳۹-۵۵.
۱۷. میناسیان، لئون. استاد میانس نقاش مشهور چغلا. تهران. هنر و مردم. دوره ۱۵. شماره ۱۷۹. شهریور ۱۳۵۶. ص ۲۸.
۱۸. ذکاء، حبیبی. محمد زمان اولین نقاش ایرانی که به اروپا رفت. تهران. سخن. دوره ۱۳. شماره ۱-۹. دی و بهمن ۱۳۴۱. ص ۱۰۰۷.
۱۹. کریم زاده شیرازی، محمدعلی. احوال و آثار نقاشان قدیم ایران. لندن. مؤلف، ۱۳۴۹. جلد دوم. ص ۲۷۷.
۲۰. ن. ک بهمنساله حبیبی ذکاء تحت عنوان محمدجعفر خان ملک الشعراء شاهی ماعز، نقاش چهره است، دانشمندی خوشنویس و انسان کامل. تهران. هنر و مردم. دوره ۱. ش ۹ و ۵. اسفند ۱۳۴۱ و فروردین ۱۳۴۲. ص ۱۲.
۲۱. سیف، هادی. کاشیهای باستان‌شناسی و هنر ایران زمین. کتاب پانزده کمال‌الملک. به کوشش داریاب بهنام شهابنگ و علی دهباشی. تهران. ۱۳۶۶. نشر چکمه. ص ۳۹۱.



The Carpet of Isfahan, late 16th century  
 silk, wool, cotton, paper, copper  
 Carpet Museum of Iran



پایان اسفند ماه ۱۳۷۴ هجری  
 شروع ماه فروردین ۱۳۷۵  
 روزهای ایران

CULTURAL HERITAGE WEEK  
 15-21 MAY 1995

هفته میراث فرهنگی  
 ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۴  
 روز چهارم ۱۳۸ هجری